

تأملی بر تیر، تیشتر و اپوش*

زهرا پیرایه مشفق

دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی

یشت هشتم، تیریش^(۱) یا تیشتریش^(۲) که به ایزد تیشتر تقدیم شده، یکی از یشت‌های قدیمی است. این یشت به دلیل مطالب نجومی و شرح رخداد‌های اساطیری و نقش ایزدان و بغان در آن، از نظر مطالعات تاریخ قدیم ایران بسیار پراهمیت به‌شمار می‌رود. تیریش در میان ۲۱ یشت اوستا قرار دارد. تیشتر که یشت هشتم به او تقدیم شده، به نظر اکثر ایران‌شناسان (گری، ص ۱۱۷؛ کارگات، ۱۹۱۴: ۱۱۸-۱۲۱؛ شوارتز، ۱۹۸۵: ۶۷۲؛ تقی‌زاده، ۱۳۱۶: ۳۴۳؛ و دیگران)، ستاره‌ای است که به دلیل القابی چون *raēuuant-* (رایومند، باشکوه، مجلل)، *auruša-* (سفید)، *raoxšna-* (نور، روشنایی، درخشنده)، *frādərəsna-* (از دور درخشنده، از دور پرتوافکننده)، *vyāvant-* (درخشنده، نورافشان)، *bānav-* (پرتو، شعاع نور) و امثال آن، با ستاره درخشان آسمان شعرای یمانی در صورت فلکی کلب اکبر برابر است. پانیانو نیز با

* این مقاله براساس پایان‌نامه دکتری اینجانب که در تاریخ ۸۲/۱۰/۹ به راهنمایی سرکار خانم دکتر زهره زرشناس و مشاوره جناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات عالی دفاع شده، تألیف شده است.

تأیید نظر این ایران‌شناسان می‌گوید: «تنها دو محقق سرشناس، ساشرا^۱ و هس^۲ این نظر را رد می‌کنند.» (پانیانو، ۱۹۹۵: ۹)

در بندهای ۲۰ تا ۲۸ تیشتریشت، نبرد تیشتر با دیو اپوش شرح داده شده است. در اوستا فقط از برخورد این دو هم‌آورد سخن می‌رود؛ اما در متون پهلوی، اپوش نقش بیشتری ایفا می‌کند، به طوری که حتی یک‌جا در بندهش با تردید آمده که اپوش همان سیاره تیر (عطارد) است:

تیر، که (همان) اپوش دیو است، بر تیشتر آمد، هر دو هم‌زور و هم‌نیرو گشتند؛ بدین روی، اخترشماران گویند که تیر با کرفه‌گران کرفه‌گر و با بزه‌گران بزه‌گر است. باشد که چنین گویند که اپوش تیر نیست. (بهار، ۱۳۶۹: ۶۰)

در این مقاله، ضمن بررسی تیشتر، تیر و اپوش، نشان داده می‌شود که تیشتر و تیر در اصل یکی بوده‌اند؛ و اپوش نمی‌تواند با تیر برابر بوده باشد.

تیر و تیشتر

در بند ۶ تیشتریشت آمده است:

tištrīm stārəm raēuuaṇtəm xarənaṇuḥantəm yazamaide yō
auuauuaṭ xšuaaēβō vazāite auui zrāiō vourukašəm yaθa
tiyriš mainiiuuasâ yim aṇhaṭ əṛəxšō xšuuīβi.išuš
xšuuīβiīšuuatəmō airiianam airiīō.xšuθaṭ haca gairīm.

تیشتر، ستاره رایومند فرمند را می‌ستاییم. او آن‌چنان با سرعت به سوی دریای فراخکرت می‌وزد که تیر روان در مینو که بهترین آریاییان آرش شواتیر از کوه ائیر و خشونت به کوه خونونت پرتاب کرد.

در این بند و پس از آن، در بند ۳۷ تیشتریشت، برای تیشتر صفت xšuaaēβō- (-xšvaēβa- به سرعت جهیدن، سریع در هوا حرکت کردن) (AIW, 560) آمده و حرکت او با تیرمینویی (tiyriš mainiiuuasâ) آرش شواتیر مقایسه شده است. این مقایسه به داستان اسطوره‌گونه‌ای بازمی‌گردد که در آن یک تیرانداز، یعنی آرش، با پرتاب تیری ایزدی، مرز ایران و توران را مشخص و خود پس از آن جان به

تأملی بر تیر، تیشتر و اپوش ۹

جان آفرین تسلیم می‌کند. اسطوره آزادسازی یک کشور توسط کمانگیری پهلوان، با اسطوره آزادسازی آب‌ها که در بند دیو خشکسالی، یعنی اپوش است توسط ایزد تیشتر، درهم می‌آمیزد؛ و این آزادسازی، مبنای جشنی به نام تیرگان می‌شود. جدا از این دو بند که در آن به آرش و تیر مینویی او اشاره شده، و نیز تشبیه تیشتر به تیر، در هیچ جای دیگری از اوستا ذکری از تیر (-*tiyray*؛ اسم مذکر «تیر» - AIW, 651) به میان نیامده، و صفات *tiyra* (بند ۳۹) و *tiyrānhō* (بند ۱۱۳) که در مهریشت آمده، هر دو به معنی نوک تیز است (-*tiyra* صفت «تیز، نوک تیز» - AIW, 651) و به عنوان صفت برای نیزه و تیر آورده شده است. همچنین در هیچ جای اوستا به تیر به عنوان ایزد اشاره نشده است. اما از آنجا که یشت تقدیمی به تیشتر - ایزد باران آور - تیریشت نامیده شده، و وجود جشن تیرگان که یکی از جشن‌های بزرگ زردشتیان است و امروزه نیز اجرای مراسم آن در میان مردم رواج دارد، ایران‌شناسان به بررسی این ایزد علاقه‌مند شده‌اند.

پانیانو تیر را یک ایزد ایرانی می‌داند که احتمالاً منشأی غربی دارد (پانیانو، ۱۹۹۵: ۶۱). از طرف دیگر، ستاره شعرای یمانی در زبان سومری «KAK-SI.SĀ» و در زبان اکدی «šiltahu یا šukudu» نامیده شده است که هر دو به معنی «تیر» هستند. در مصر، ستاره شعرای یمانی «sōpdet» (یونانی: sōthis) نامیده می‌شد که به معنی «سرنیزه، نشانه‌گر، شیء نوک تیز» است (همان، ص ۲۵).

در ارمنستان نیز عبادت ایزد تیر معمول بود و با نام Tiour پرستش می‌شد (همان، ص ۶۲). همچنین در تقویم ارمنی، trē ماه چهارم و برابر با ماه تیر در تقویم زردشتی است (آبوزیان، ۱۳۷۱: ۱۸۳).

در شرق نیز نشانه‌های این ایزد به چشم می‌خورد. در اوستا، یشت هشتم به ستایش تیشتر ایزد - اختر قدرتمند اختصاص دارد. در این یشت، تیشتر را با القابی چون -*raēvañt* (باشکوه)، -*ṣarənahvant* (فرهمند)، -*raoxšna* (نورانی، درخشنده)، و -*auruša* (سپید، سفید) ستوده‌اند؛ که برابر با پر نورترین ستاره آسمان، یعنی شعرای یمانی، ستاره آلفای صورت فلکی کلب اکبر است. در ریگ‌ودا نیز دو بار به ایزد Tisya اشاره شده که پهلوانی تیرانداز است (پانیانو، ۱۹۹۵: ۲۵). این ایزد که می‌پنداشتند پیکری تیرمانند دارد، در ریگ‌ودا به عنوان پهلوان کمانگیر به

همراه Rudra و Kṛṣṇānu مورد خطاب قرار گرفته است (پانیانو، ۱۹۹۵: ۳۵؛ شوارتز، ۱۹۸۵: ۶۷۴). نام ایزد تیر در سکه‌های کوشانی TEIPO است. او در دست راست کمانی دارد و با دست چپ در حال بیرون‌کشیدن تیر از تیردان است (گری، ص ۱۱۱). در خوارزمی نیز نام Tsiri (cyry)، هم به ستاره شعرای یمانی اطلاق شده و هم نام روز و نام ماه است (شوارتز، ۱۹۸۵: ۶۷۲). با شواهد به‌دست‌آمده در بلخ نیز وجود ارتباط میان این ایزد با تیر تأیید می‌شود. در تصاویر به‌دست‌آمده از غاری در نزدیکی قولیبیان^۱ در هندوکش غربی، تصویری وجود دارد که در آن ایزدی بر تختی نشسته است و آن تخت روی تنگی با چهار ماهی قرار دارد؛ و چنان‌که به‌روشنی مشهود است، تیری را با دو دست خود گرفته است (گرنه فرانس - بوریس مارشاک، ۱۳۸۱: ۸۸۰-۸۷۴). بنابراین شواهد، با توجه به آنچه مطرح شد، می‌توان نظر شوارتز را پذیرفت (شوارتز، ۱۹۸۵: ۶۷۲). او معتقد است که تیشتر و تیر در اصل یک ایزد واحد بوده‌اند.

از طرف دیگر، همان‌طور که پانیانو اظهار می‌دارد (۱۹۹۵: ۳۴)، اگر نام تیشتر و Tiṣya را، که هر دو اصل هندوایرانی دارند، به فرهنگ هندواروپایی نسبت دهیم و بپذیریم که نام ستاره شعرای یمانی هندواروپایی است، باز هم بدان معنا نیست که اسطوره آن را هم هندواروپایی بدانیم. باید دانست که نه در اساطیر هند و نه در اساطیر دیگر هندواروپایی باستان، شعرای یمانی آن‌چنان خویشکاری مهمی چون آزادسازی آب‌ها ندارد. هندیان هرگز چون ایرانیان برای شعرای یمانی چنین اهمیتی قائل نبوده‌اند. بنابراین، می‌توان احتمال داد که اندیشه خویشکاری تیشتر در آزادسازی آب‌ها، منشأی بین‌النهرینی داشته باشد. در یک متن بابلی مربوط به آیین سال نو، نوشته شده است که «KAK-SI.SÀ آب‌ها را پیمان‌ه می‌کند». همان‌گونه نیز در تیشتریشت (بند ۳۱) آمده است: «تیشتر، آب دریای و روکشه را به تلاطم درمی‌آورد». همچنین در تقویم سامی، طلوع شعرای یمانی برابر بود با ماه Du'uzu-Tammuz (که با ماه توت^۲ در مصر مطابقت دارد) و زمان برگزاری جشن آدونیس - تموز^۳، که تقریباً برابر با روزهای آخر ماه تیر (در تقویم کنونی) می‌شد

1. Ghulbiyan

2. Thoth

3. Adonis-Tammuz

تأملی بر تیر، تیشتر و اپوش ۱۱

(پانیانو، ۱۹۹۵: ۵۱-۴۷). ایزد تموز^۱ سامی که چون ایزد تیر نامش بر ماه چهارم اطلاق شده است، خدایی خورشیدی بود که بر رشد و نمو گیاهان نظارت داشت و نماد فعالیت‌های کشاورزی بود. گری (ص ۱۱۳) معتقد است جشنی که در انقلاب تابستانی برای تموز برگزار می‌شد، احتمالاً منشأی جشن تیرگان ایرانی است.

با توجه به آنچه مطرح شد، می‌توان به نتایج زیر رسید:

۱. ایزد تیر و تیشتر هر دو اصل مشترک داشته‌اند؛
۲. حتی اگر بپذیریم که تیشتر اصلی هندواروپایی داشته، اسطوره خویشکاری اصلی او یعنی آزادسازی آب‌ها و به‌دنبال آن، جشن تیرگان، نشأت‌گرفته از تفکر بین‌النهرینی و مصری است.

تیر و عطارد

در نجوم عیلامی - بابلی، سیارات مقدس و قابل پرستش بودند، و نبو خدایی بزرگ بود که در سلسله‌مراتب خدایان، مقامی برتر از تیر (عطارد) داشت؛ او ایزد نویسنده و دبیر الهی بود (بویس، ۱۳۸۰: ۲۹۷). اما با گذشت زمان، نبو رفته‌رفته در سیاره تیر تحلیل رفت و به تدریج با او یکی شد. با گذر از دوره باستان به دوره میانه، احترام به سیارات که از نجوم بابلی در ایران باستان وارد شده بود، تغییر یافت. در متون پهلوی، نقش تازه‌ای به اجرام سماوی بخشیده شد. تیشتر که در اوستارد و سرور ستارگان بود، نقش خود را به میخگاه یا ستاره قطبی داد و خود سپاهبد شرق شد. سیارات نیز که در اوستا نقشی نداشتند، نقش تازه‌ای یافتند، و به عوامل اهریمن تبدیل شدند. تیر نیز که زمانی ایزدی بزرگ بود و اصلی واحد با تیشتر داشت، به دلیل یکی شدن با سیاره عطارد، به رقیب تیشتر تبدیل شد و حتی روز و ماه منسوب به او نیز در ستایش تیشتر قرار گرفت.

نتیجه

در بین‌النهرین، مصر و ایران، ایزدی در ارتباط با تیر وجود داشت که به نام‌های گوناگون خوانده می‌شد. ساکنان نجد، این ایزد را با ستاره‌شعراى یمانی یکی می‌دانستند. طلوع شعراى یمانی با جشن‌های حاصلخیزی آدونیس - تموز همراه بود که در ایران نیز با نام جشن تیرگان انجام می‌پذیرفت. این ایزد - یعنی تیر - که در غرب و شرق ایران و نیز ارمنستان نشانه‌هایی از پرستش او به چشم می‌خورد، به دلیل داشتن نقش مشابه با تیشتر، در او تحلیل رفت. از طرف دیگر، سیارات که زمانی اقوام ساکن در نجد آنها را می‌پرستیدند، در تفکر نویسندگان آثار پهلوی تغییر نقش یافتند و به عوامل اهریمن تبدیل شدند. ایزد تیر نیز با سیاره عطارد یکی شد که در میان ساکنان بین‌النهرین به نام نبو ایزد نویسندگی و کاتب اعمال مردم خوانده می‌شد و با قلم نویسندگی که به شکل پر است، ارتباط داشت. با معادل شدن ایزد تیر با سیاره عطارد، جایگاه این ایزد به تیشتر اختصاص یافت و از او فقط نامی در تقویم روز و ماه باقی ماند. تغییری از این‌گونه در متون اوستایی و پهلوی کم نیست؛ که می‌توان برای مثال، تحلیل رفتن اپام نپات در اردویسور آناهیتا را نام برد.

جدال تیشتر با اپوش

بندهای ۳۰-۲۰ تیشتریشست، صحنه مبارزه دو هم‌آورد، تیشتر و اپوش، است. تیشتر به پیکر اسب سفید زرین‌گوش زرین‌لگام به سوی دریای وروکشه می‌آید (بند ۲۰)؛ اما دیو اپوش به هیئت اسب سیاه ترسناک سیاه‌گوش به سوی او یورش می‌آورد (بند ۲۱). این دو با هم نبرد می‌کنند، دست‌های خود را به هم می‌پیچند؛ و نبردشان سه شبانروز طول می‌کشد (بند ۲۲). دیو اپوش بر تیشتر غالب می‌شود و او را به درازای یک هائر از دریای وروکشه دور می‌راند. تیشتر با درد و بیچارگی شکوه سر می‌دهد (بند ۲۳). اهوره‌مزدا با شنیدن زاری او، خود برای تیشتر یزشن برگزار می‌کند (بند ۲۵). تیشتر رایومند فرهمند به پیکر اسب زیبای سفید به دریای وروکشه باز می‌گردد؛ و اپوش بار دیگر به هیئت پیشین به مصاف او می‌آید. آن دو دوباره با هم مبارزه می‌کنند و این جدال در هنگام نیمروز است. این بار تیشتر، نیرومندتر از اپوش، بر او پیروز می‌شود و دیو اپوش را از دریای وروکشه دور می‌راند

عدم برابری اپوش با سیاره تیر

در بندهای ۲۹-۲۲ تیشتریشت، جنگ و گریزی میان تیشتر - ستاره باران آور - و اپوش - دیو خشکسالی - درمی‌گیرد. در ضمن - همان‌طور که قبلاً اشاره شد - در ادبیات پهلوی (بندش، بهار، ۱۳۶۹: ۶۰)، اپوش را معادل سیاره تیر یا عطارد می‌دانند. این جنگ و گریز، خود دلیلی بر عدم برابری این دو، یعنی تیر و اپوش، با یکدیگر است. بنا بر متن تیشتریشت، در نبردی که بین تیشتر و اپوش درمی‌گیرد، ابتدا اپوش پیروز می‌شود و تیشتر را به راهی به درازای یک هاتر دور می‌راند (بندهای ۲۳-۲۲)؛ سپس با یزشنی که اهوره‌مزدا برای تیشتر انجام می‌دهد، تیشتر با نیرویی که از آن یزشن می‌گیرد (بند ۲۵)، دوباره به جنگ اپوش می‌آید و این بار با پیروزی بر اپوش، او را به راهی به درازای یک هاتر دور می‌راند (بندهای ۲۹-۲۶). بنابه گفته دکتر نوروزی^(۲)، از نظر نجومی، سیاره‌ها یک حرکت رجوعی دارند که این حرکت، دلیل اهریمنی خواندن آنان در متون پهلوی است. اما ستارگان این حرکت را ندارند. اگر دو جرم، یکی ستاره و دیگری ستاره را در نظر بگیریم، سیاره می‌تواند یک دوره اوج و افول و اوج و افول دوباره داشته باشد؛ ولی ستاره یک دوره اوج و افول بیشتر ندارد و در مسیر خود قادر به حرکت رجوعی نیست. بنابراین، چنانچه بخواهیم بندهای فوق را بنا بر متون پهلوی و برابری اپوش با تیر بازسازی کنیم، تیشتر است که با سیاره عطارد یکی می‌شود، نه اپوش.

پی‌نوشت‌ها

۱. یشت‌ها در اصل سرودهایی هستند که به ایزدان خاص تقدیم شده‌اند.
۲. از آقای دکتر محمد نوروزی - مشاور علمی رصدخانه زعفرانیه و عضو مؤسس انجمن نجوم ایران - به پاس راهنمایی‌هایشان سپاسگزارم.

کتابنامه

- آیوازیان (ترزبان)، ماریا. ۱۳۷۱. وام‌واژه‌های ایرانی میانه غربی در زبان ارمنی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بویس، مری. ۱۳۸۰. «بانو و دبیر، تأملی بیشتر بر آن‌اهیت و تیر». ترجمه شهناز شاهنده. فصلنامه فرهنگ، سال چهاردهم، شماره‌های اول - دوم، ص ۳۰۶-۲۹۷.
- تقی‌زاده، سیدحسین. ۱۳۱۶. گاه‌شماری در ایران قدیم. تهران.
- گرنه فرانس - بوریس مارشاک. ۱۳۸۱. «اسطوره ننه در هنر سفید». ترجمه پریسا صمدی. سروش پیر مغان (مجموعه مقالات)، انتشارات ثریا. ص ۸۵۸ - ۸۸۸.
- Bartholomae, Christian. 1961. *Altiranisches Wörterbuch*. Berlin. Walter de Grueter & co.
- Geldner, Karl. F. 2003. *Avesta The Book of Parsis*. Tehran: Asatir.
- Gray, Louis. H. "The Foundations of the Iranian Religions", K.R. Cama Oriental. No.5, Bombay.
- Khareghat, M.P. 1914. "The Identity of some Heavenly Bodies mentioned in the Old Iranian Writings", in: *Sir Jamsetjee Jejeebhoy Madressa Jubilee*, Volume Bombay, pp. 116-118.
- Panaino Antonio. 1990. *Tištaya*, Part 1: The Avestan Hymn to Sirius. Roma.
- _____ . 1995. *Tištaya*, Part II: The Iranian Myth of the Star Sirius. Roma.
- Schwartz, M. 1985. "The Religion of Acheamenian Iran" *Cambridge History of Iran*. Volume 2.